

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۵۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۷ تیر ۱۴۰۲ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۸۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۰۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

# شرق

دیالوگ روز

**اکنون شگفت‌انگیز - جیمز بانسلت - ۲۰۱۳**

ساتر (مایلز تلو)؛ عیب ندازه که توی زمان حال زندگی کنی.

ولی بهترین قسمتِ زمانِ حال اینه که فردا هم برامون فرصت هست و من می‌خوام نهایت استفاده رو از فرداها ببرم.

## یادداشت

## لایحه عفاف و حجاب؛ نسبت میان قانون و مردم

**محمدرضا خال‌سیاه، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی:** این روزها بحث درباره لایحه جنجالی عفاف و حجاب و تصویب احتمالی آن به‌عنوان قانون، داغ است؛ لایحه‌ای که موافقان و مخالفان سرسختی دارد. در این یادداشت سعی داریم با رعایت اختصار، ابتدا مفهوم قانون و ملاک اثرگذاری آن را شرح داده، سپس به مورد ویژه لایحه عفاف و حجاب از نظر پیشینه تقنینی بپردازیم. پیش از طرح بحث، سؤالاتی باید مطرح کنیم؛ ازجمله آنکه قانون چیست و چرا وضع می‌شود؟ چه کسانی حق دارند قوانین را وضع کنند؟ و اینکه ملاک و شرط اثرگذاری قوانین چیست؟

جامعه ما حاصل روابط متقابل میان مردم است. طبق این تعریف، روابط میان مردم برای آنکه متضمن حقوق همه افراد باشد، لازم است تا ذیل اصول و قواعدی مشخص و حد و مرزی معین، تعریف شود. به عبارتی لازمه زندگی در اجتماع این است که مصالح دیگر افراد نیز رعایت و ملاحظه شود. نتیجه و برآیند مصالح افراد به‌منظور ساماندهی و ضابطه‌مندی روابط میان آنها و نیز رعایت حقوق شان، وضع قانون است و این قانون می‌تواند اساسی و دربردارنده اصول کلی و خط‌مشی یک حکومت در یک کشور یا به‌صورت مقرراتی در قالب لوایح و طرح‌هایی که دولت یا قوه قضائیه به مجلس ارائه می‌کند، باشد تا در صورت صلاحدید، تصویب و ابلاغ شود و راهنمای عمل در ارگان‌ها و دستگاه‌ها باشد؛ بنابراین اصل وجود قانون برای جامعه الزامی است و این مطلب محل اختلاف یا بحث نیست.

حال که مفهوم قانون و چرایی وضع آن را متوجه شدیم؛ باید ببینیم حق قانون‌گذاری یا چه کسانی است و شروط اثرگذاری‌اش چیست؟ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، قانون برآیند خواست عموم جامعه است و باید تبلور اراده مردم باشد که طبیعتاً مراد در اینجا اکثریت مردم است و نه اقلیتی خاص؛! به همین منظور مردم نمایندگانی را در قالب پارلمان یا مجلس به قصد وضع قوانین، انتخاب می‌کنند. بدیهی است چنانچه نمایندگان، برآمده از انتخاباتی رقابتی و خواست و اراده اکثریت مردم یک جامعه نباشند، قانون‌گذاری آنها بدون درنظرگرفتن حقوق ملت، تبلور اراده اکثریت نخواهد بود. در حقیقت هیچ ضمانتی برای اجرای قوانین درصورتی‌که مردم میل و تعهد به همکاری با آن را نداشته باشند، وجود نخواهد داشت؛ چراکه مردمی که حقوقی نداشته باشند، رعایت حقوق دولت و پیروی از آن را الزامی نخواهند دانست؛ حتی اگر همه امکانات انتظامی را بسپع کنند. حتی از نظر معارف اسلامی نیز به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی، نادیده‌انگاشتن احوالات مردم و بی‌توجهی به برهه زمانی و میزان آمادگی مردم در پذیرش احکام و معارف دین، نتیجه‌ای جز مقاومت آنها و نیز ساختن چهره‌ای عیوس از دین مبین اسلام نخواهد داشت.

درباره لایحه عفاف و حجاب، سابقه قانون‌گذاری در این حوزه به دهه ۶۰ بازمی‌گردد. تصویب ساده ۱۰۲ قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲، تصویب «مصوبه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی» در سال ۱۳۸۴ که مهم‌ترین بروز اجتماعی آن، فعالیت‌های گشت ارشاد بوده است؛ و نیز «قانون ساماندهی لباس» در ۱۳۸۵ ازجمله اقدامات در این حوزه است. لایحه عفاف و حجاب در مجلس یازدهم (فعلی) اما با طرحی به همین نام در مجلس نهم مشابهت زیادی دارد. پیش‌تر در سال۱۳۹۳، با استناد به بند اول اصل سوم قانون اساسی، ۳۶ نفر از نمایندگان‌که غالباً در طیف سیاسی اصولگرا بودند، طرحی را امضا کردند که به موجب آن، کشف حجاب از طرف راننده یا سرنشینان خودرو با مجازات جریمه نقدی و حتی در مواردی توقیف خودرو همراه می‌شد. همچنین طبق این طرح، نیروی انتظامی موظف به یاکارگیری نیروهای زن به‌منظور تذکر به بانوان فاقد حجاب در اماکن عمومی و اخذ تعهد از آنها به خاطر شرکت در دوره‌های آموزشی شده بود. این طرح حتی به موضوع ماهواره‌ها نیز پرداخته و نصب و تعمیر آنها را ممنوع اعلام کرده و مجازاتی معادل جزای نقدی یا حبس را در نظر گرفته بود! شایان ذکر است که مرکز پژوهش‌های مجلس، ضمن محکم‌ندانستن ادله این طرح و در دسترس نبودن شواهدی مبنی بر مؤثربودن تشدید مجازات در جهت بهبود وضعیت بدحجابی، طرح مذکور را بدون توجه به خواست و مطالبه عمومی، فاقد اثر مطلوب دانسته و نسبت به نتایج معکوس آن هشدار داده بود! این مرکز همچنین با استناد به نظرسنجی صورت‌گرفته در سال ۱۳۹۱ از سوی شورای فرهنگ عمومی، ۷۱ درصد از زنان در خیابان‌های تهران را در وضعیت «آسیب‌دار» به لحاظ رعایت حجاب قرار داده و این پرسش را مطرح کرده بود که در چنین شرایطی چگونه می‌توان از رویکرد جرم‌انکاری بدون ایجاد مقاومت بهره جست؟ مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین در جمع‌بندی گزارش تأمل‌برانگیز خود ضمن اشاره به عدم توفیق برخورد نیروی انتظامی با نصب ماهواره در آپارتمان‌ها و نیز با صحه‌گذاشتن بر عدم موفقیت گشت ارشاد در موضوع مقابله با بدحجابی، علت اصلی عدم موفقیت این قوانین را در فقدان خواست عمومی در جامعه برشمرده بود. در حقیقت همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، توجه به خواست عموم مردم در قانون‌گذاری به‌عنوان مؤثرترین ضمانت اجرایی به جهت موفقیت ویل به اهداف حاصل از وضع قوانین، ضروری است.

حال به‌واقع باید پرسید آیا قانون (طرح یا لایحه) عفاف و حجاب، مطابق خواست اکثریت مردم در جامعه امروز ایران است یا تبلور اراده اقلیتی با گرایش سیاسی و رویکردی خاص؟ آیا غیر از این است که چنین طرح‌هایی بدون همراهی مردم به سرنوشتی مانند گشت ارشاد بدل خواهند شد؟ و در آخر اینکه آیا بهتر نیست در وضعیت کنونی، حاکمیت با کسب تجربه از وقایع پیشین، درباره بازنگری در مفهوم و تعریف از قانون و پذیرش و اهتمام نسبت به حقوق متقابل مردم مبادرت ورزیده و از عمیق‌ترشدن شکاف میان خود با مردم به‌ویژه جوانان بپرهیزد؟
❖ **اظهارنظر کارشناسی درباره طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب؛ تیرماه ۱۳۹۴.**

**گیسو فقہوری؛** چند روز پیش نشست با عنوان نشست تخصصی

«زن و سینمای بین‌الملل» که از سلسله نشست‌های تخصصی

با محوریت جایگاه زن در سینمای جهان است، برگزار شد. این

نشست با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی از طرف تشکیل زنان انقلاب اسلامی برگزار شد و قرار بود فرصتی برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعاتی از قبیل سینمای بین‌الملل، جایگاه زن در سینمای ایران و جهان و همچنین چگونگی شکل‌دهی سینمای حوزه مقاومت اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در این نشست انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده و سیدمهدی جوادی مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی سخنانی را بیان کردند که با آنچه در همه این سال‌ها درباره چهره سینمای ایران در جهان شنیده‌ایم و دیده‌ایم، متفاوت است.

البته سخنان «جوادی» مدیرعامل فارابی و «خزعلی» معاون امور زنان و خانواده از زاویه دید و شیوه جدید نظارت بر حضور زنان در سینمای ایران حکایت دارد و باید منتظر ماند تا تأثیرات این تغییرات عیان شود.
**فرش قرمزبرای افراد معتقد**
جوادی با گلایه از نظریه‌پردازان حوزه‌های علوم معارفی و اسلامی گفت: «غرب می‌داند درباره زنان چه می‌خواهد بگوید، ما هم می‌دانیم چه می‌خواهیم نگوئیم؛ اما اینکه چه باید بگوئیم را کسی تبیین نکرده، آن زن امروزی مسلمان قابل فهم برای نوجوان و جوانی را که سینمای انقلاب اسلامی باید برای جهانیان ترسیم کند، چه شاخص‌ها و ترازوی دارد، کسی ملموس و عینی ساخته است. البته این مسئول با وجود اینکه در عرصه سینما سابقه چندینی ندارد، فضای آینده را چنین ترسیم کرد: «بسیاری از موضوعات را نمی‌توان تزییقی و اجباری به هنرمند اجبار کرد» و خیر داد: «در این حوزه باید افراد معتقد و باورمند ورود کنند تا منشا اثر شوند». او مشخصات افرادی را که باید ورود کنند، چنین توصیف کرد: «حدود سنی سینمای بعد از انقلاب که ۴۰سالگی را رد کرده است، این مهم فرصتی است برای کار آمدن نسل جدید تا دغدغه‌مند و با شناختی بیشتر از جهان اسلام حرف جدید بزند. همچنین از این منظر می‌توان گفت در یک مقطع تاریخی در راستای تربیت و رشد نسلی نو از بانوان مسلمان فیلم‌ساز هستیم تا بتوانند حرف‌های جدیدی بزنند.»

**دستورمعاون به سینماگران**

آن‌طور که روابطعمومی گزارش این نشست را منتشر کرده است، انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری، در یک دیدار با سینماگران، با بیان اینکه هنوز نتوانسته‌ایم در فیلم و سینما به بازنمایی زنان قوی بپردازیم، تاکید کرد: «ما همواره زنانی را نشان داده‌ایم که ضعیف هستند و نقص دارند؛ درحالی‌که این موضوع درباره اغلب زنان ایرانی و مسلمان صدق نمی‌کند.» او اظهار کرد: «وضعیت زنان ما در دوران مختلف ازجمله در طول انقلاب و دفاع مقدس مثال‌زدنی است؛ بنابراین نیاز است تا امروز تصاویری مصادیقی‌تر و حقیقی‌تری از زن مسلمان و ایران نشان دهیم؛ تصاویری که نماینده شجاعت حضور آنها در مقاطع گوناگون باشد.»

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که با مرور آثار مهم سینمای ایران می‌توان ایمان داشت که شجاعت، تفاوت، قوی‌بودن، تلاش بسیار و… همه جزء خاصه‌هایی است که در این ۴۰ سال از زنان در سینمای ایران به تصویر کشیده شده است. این را می‌توان با مرور آثار سینمای ایران که در جهان جوایز متعددی برده‌اند و تصویریک از زن‌ان ایرانی در مقاطع مختلف خلق شده است، دریافت؛ با نگاهی به اسامی فیلم‌هایی مانند «به همین سادگی»، «از کرخه تا راین»، «کافه ترانزیت»، «میم مثل مادر»، «من ترانه ۱۵ سال‌ دارم»، «بوی پیراهن یوسف»، «روبان قرمز»، «آژانس شیشه‌ای»، «شهر زیبا»، «بانوی اردیبهشت»، «گیلانه»، «ترکس»، «ناهید»، «سوسو پایان»، «دو زن»، «قصه‌ها»، «بمانی» و «لیلا»، این سؤال پیش می‌آید که کدام‌یک از این آثار به خدشه چهره زن ایرانی امروزی پرداخته‌اند یا سینمای زن ایرانی را آن‌چنان‌که هست ترسیم نکرده‌اند؟ یا مستندهای زیادی را که درباره کارآفرینی زنان و تلاش‌های آنان برای تغییر در جامعه ساخته شده، آیا می‌توان نادیده گرفت؛ مستندهایی مانند «بانوی کل سرخ» یا «توران خانوم» یا «همه درخان من» و… فهرستی بی‌شمار است از زنانی که برای اولین بار آتش‌نشان شدند یا زنانی که به سراغ تجاری و… رفتند و راه‌های جدیدی را ساختند و هموار کردند.



خبر خوانی

## طالبان در نقش جهان

تصاویری از حضور تعدادی مرد افغانستانی که به نظر می‌رسد از وابستگی امارت اسلامی طالبان هستند، در شبکه‌های اجتماعی ایران به طور گسترده منتشر شده است؛ مردانی که لباس هایشان را تا زانو بالا برده‌اند و در استخر میدان نقش جهان اصفهان مشغول آب‌بازی هستند. آنها به روی هم آب می‌پاشند، دیگری بادکنکی را می‌خواهد یا زیر پا قراردادنش در آب بترکاند، عده‌ای دیگر بیرون ایستاده‌اند و از آنها‌عکس و فیلم می‌گیرند. آن هفت، هشت نفری که داخل آب هستند، شاد و سرخوشانه به نظر می‌رسند و در همین حالت یک اصطلاح به کار می‌برند.

چرا دیدن این تصاویر برای ما ناراحت‌کننده بود؟ چرا دیدن این تصاویر این‌قدر احساسات ما را به خروش آورد؟ چرا با دیدن این تصاویر حسن تحقیر به ما دست داد؟ می‌توانیم برای این احساساتی که درون خود تجربه می‌کنیم، دلیل بیاوریم؛ حتی می‌توانیم چند دلیل بیاوریم و پر از حسرت و ناراحتی شویم. این احساس ناراحتی، در مقاطع دیگری نیز صمیمان شده است:



❖ از خصوصیات افراد علاقه‌مند به بدلکاری روحیه جست‌وجوگر، ریسک‌پذیر وتترس بودن است. در بدلکاری کارهایی مانند پریدن از دیوار، سقوط یا بازی کردن نقش کسی که بدنش در حال سوختن است، از آن جمله است. عکس: زینب حمزه‌لویی، فارس

## درباره تصویری که انسیه خزعلی از زنان سینمای ایران ترسیم کرد

# گنجی که زیر سؤال رفت

نیز با بیان اینکه هنوز نتوانسته‌ایم در فیلم و سینما به بازنمایی زنان قوی بپردازیم، تاکید کرد: «ما همواره زنانی را نشان داده‌ایم که ضعیف هستند و نقص دارند؛ درحالی‌که این موضوع درباره اغلب زنان ایرانی و مسلمان صدق نمی‌کند.»

او اظهار کرد: «وضعیت زنان ما در دوران مختلف ازجمله در طول انقلاب و دفاع مقدس مثال‌زدنی است؛ بنابراین نیاز است تا امروز تصاویری مصادیقی‌تر و حقیقی‌تری از زن مسلمان و ایران نشان دهیم؛ تصاویری که نماینده شجاعت حضور آنها در مقاطع گوناگون باشد.»

**گنج بی‌نظیر**

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که با مرور آثار مهم سینمای ایران می‌توان ایمان داشت که شجاعت، تفاوت، قوی‌بودن، تلاش بسیار و… همه جزء خاصه‌هایی است که در این ۴۰ سال از زنان در سینمای ایران به تصویر کشیده شده است. این را می‌توان با مرور آثار سینمای ایران که در جهان جوایز متعددی برده‌اند و تصویریک از زن‌ان ایرانی در مقاطع مختلف خلق شده است، دریافت؛ با نگاهی به اسامی فیلم‌هایی مانند «به همین سادگی»، «از کرخه تا راین»، «کافه ترانزیت»، «میم مثل مادر»، «من ترانه ۱۵ سال‌ دارم»، «بوی پیراهن یوسف»، «بادیگارد»، «روبان قرمز»، «آژانس شیشه‌ای»، «شهر زیبا»، «بانوی اردیبهشت»، «گیلانه»، «ترکس»، «ناهید»، «سوسو پایان»، «دو زن»، «قصه‌ها»، «بمانی» و «لیلا»، این سؤال پیش می‌آید که کدام‌یک از این آثار به خدشه چهره زن ایرانی امروزی پرداخته‌اند یا سینمای زن ایرانی را آن‌چنان‌که هست ترسیم نکرده‌اند؟ یا مستندهای زیادی را که درباره کارآفرینی زنان و تلاش‌های آنان برای تغییر در جامعه ساخته شده، آیا می‌توان نادیده گرفت؛ مستندهایی مانند «بانوی کل سرخ» یا «توران خانوم» یا «همه درخان من» و… فهرستی بی‌شمار است از زنانی که برای اولین بار آتش‌نشان شدند یا زنانی که به سراغ تجاری و… رفتند و راه‌های جدیدی را ساختند و هموار کردند.

آیا خنم خزعلی که در این نشست حضور داشت و معتقد بود که «هنوز نتوانسته‌ایم در فیلم و سینما به بازنمایی زنان قوی بپردازیم» این آثار را دیده‌اند؟ یا هنگامی که مدیرعامل بنیاد فارابی آرزو می‌کند، «فرصت مناسبی برای بازنمایی خلاقانه چهره زنان ایجاد شود» منظور از بازنمایی خلاقانه چیست؟ البته نمی‌توان انتظار داشت که بزودی شاهد آن چیزی که ای‌دیان این مسئولان است، باشیم؛ ولی می‌توانیم درخواست کنیم دست‌کم



بخوریم تا مسئولان از ما رضی باشند.
یا وقتی عکس همونیا آخرین یوزپلنگ ایرانی استان یزد را می‌بینیم که اعلام شد به دلیل کهولت سن و در ۱۳سالگی جان باخته و مرگ او پایانی بر حیات یوز در دشت‌های ایران مرکزی بود. یا وقتی می‌شنویم که پلی در مشهد یا پارک جنگلی شوره‌ست به دلیل رعایت‌نکردن حجاب پلمب شده‌اند. یا وقتی عکس پاسپورت ایرانی را رهاشده در ساحل پارک از کشورهای اروپایی می‌بینی. یا وقتی می‌شنوی ۱۸۰ نوع دارو در کشور دچار کمبود است. یا وقتی معلوم می‌شود در افتتاحیه شرکت الکامپ سه بار برق قطع شده است. یا وقتی معلوم می‌شود تعداد زیادی از خانه‌های تاریخی به محلی برای حضور معنادان تبدیل شده است. اینها فقط چند لحظه‌ای است که احساسی شبیه دیدن طالبان در استخر میدان نقش جهان تجربه کرده‌ایم؛ احساساتی که در گوشه ذهن‌مان می‌ماند و شاید هرگز فراموش نکنیم.

## دغدغه‌های طبیبانه

## روزگار غریبی ست نازنین



روزگار غریبی ست نازنین
عشق را در پستوی خانه نمان باید کرد»
چرا؟ چرا این‌گونه شده است؟
به اظرافم نگاه می‌کنم: عشق کجاست؟
در این مردمان خمود و خسته و ناراحت
عشق کجاست؟ عشق نیست.
عشق در پستوی خانه نمان شده است.

بله. روزگار غریبی ست نازنین. بیمارانم زندگی من هستند و تمام زندگی من را شامل می‌شوند. با آنها صحبت می‌کنم. از خیلی چیزها صحبت می‌کنیم. اما عشقی در زندگی‌شان نمی‌بینم. یک‌جور تحمل زندگی‌ای است که دلپیش را نمی‌دانند. چرا عشق به ما آموخته نشده است؟
به‌عنوان یک پزشک دنبال آسیب‌شناسی هستم. آسیب‌شناسی آن چیزی که در اظرافم می‌بینم. آیا عشق‌ورزی را به ما بیاموخته‌اند؟ آیا محبت‌کردن را بلد نیستیم؟
چرا حرف‌هایمان آرامش‌بخش نیست؟
چرا با کلامان همه‌چیز را به هم می‌ریزیم؟
کجای فرهنگمان اشکال دارد؟
به گمانم عشق و محبت باید به عوق جامعه ما تزریق شود. صبح که بیدار می‌شویم هیچ‌کس به هیچ‌کس لبخندی نمی‌رند و خاموشی، غمگینی و عصبانیت به هزار زبان در سخن است. من این اشکال را در بیماران و خانواده‌هایشان می‌بینم اما می‌دانم که در تمام افراد جامعه ما جاری است. نمی‌توانیم به هم محبت بورزیم.

زینا به هم بزیم. بیماران من عمدتاً مبتلایان به ام‌اس هستند. در سیستم درمان ایران یک پزشک باید نقش همه‌چیز را از روان‌شناس و مهدکار تا مشاور مشکلات خانوادگی بازی کند. هیچ‌گونه تقسیم کاری نه‌نتها صورت نگرفته بلکه زیرساخت‌های لازم برای آن نیز به وجود نیامده است.

ازاین‌رو صحبت‌های من با بیمارانم بسیار فراتر از دارو و درمان به شکل مرسوم آن است. بیمارانم درباره خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی خود بنا من حرف می‌زنند و مشکلات خانوادگی یکی از بارزترین مسائلی است که بیمارانم درباره آن حرف می‌زنند. زوج‌ها نه‌تنها محبت‌کردن را بلد نیستند، بلکه استفاده از کلمات زنده نیز در میانشان شایع است. گاهی فکر می‌کنم مگر عشق‌ورزی چقدر سخت است که آن را از نزدیک‌ترین فرد زندگی خود دریغ کرده و این‌گونه زندگی را به جهنمی بدل می‌کنیم که فقط و فقط باید تحملش کنیم؟

به گمانم این مشکل بزرگی در فرهنگ ماست زیرا نه‌تنها در خانواده‌ها شاهد آن هستیم بلکه عشق‌ورزی موضوعی بوده که همواره حکومت‌ها هم سعی در محدودکردن آن داشته‌اند؛ حکایتی‌که هرچقدر هم تکرار شود، باز به قول حافظ حکایت مشکلی است:
گویند سر عشق مگویند و مشنوبند
مشکل حکایتی‌ست که تقریر می‌کنند